

تجدید ارائه صورتهای مالی: بررسی اثر رتبه موسسات حسابرسی معتمد سازمان بورس و اوراق بهادار

فخرالدین محمدرضائی*

منیره یحیایی**

چکیده

سازمان بورس و اوراق بهادار برای اولین بار در سال ۱۳۹۲ موسسات حسابرسی معتمد بورس را به چهار طبقه دسته بندی کرده است. دستورالعمل رتبه بندی موسسات حسابرسی معتمد بورس نشان می دهد که کیفیت موسسات حسابرسی معتمد طبقه "اول" بالاتر از موسسات حسابرسی معتمد سایر طبقات است. اما یک سوال پژوهشی که هنوز به آن پاسخ داده نشده این است که آیا چنین ادعائی با واقعیت هم منطبق است؟ به منظور پاسخ به این سوال، ۱،۷۰۶ سال-شرکت مشاهده جمع آوری شده از گزارشات مالی سالیانه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در طی دوره زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۹ مورد آزمون قرار گرفته اند. در این پژوهش تجدید ارائه صورتهای مالی به عنوان معیاری از کیفیت حسابرسی بکار برده شده است. نتایج حاصل از برآورد رگرسیون نشان می دهد که تجدید ارائه صورتهای مالی صاحبکاران موسسات حسابرسی طبقه "اول" کمتر از تجدید ارائه صورتهای مالی صاحبکاران موسسات معتمد سایر طبقات نیست. بطور کلی می توان که کیفیت حسابرسی حسابسان معتمد طبقه "اول" تفاوت قابل ملاحظه ای با حسابسان معتمد سایر طبقات دارد. نتایج این پژوهش با انجام چندین آزمون حساسیت پشتیبانی شده است.

واژههای کلیدی: رتبه بندی موسسات حسابرسی معتمد بورس، تجدید ارائه صورتهای مالی، کیفیت حسابرسی

* دکتری حسابداری، مدرس دانشکده مدیریت، دانشگاه علوم اقتصادی، نویسنده (مسول مقاله)

fakhroddin.mr@gmail.com

** دانشجوی دوره دکتری حسابداری دانشگاه تهران

بعد از جدائی مدیریت از مالکیت، تقاضا برای گزارشات مالی با کیفیت به منظور کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بطور جدی آغاز گردید (بوشمن و اسمیت^۱، ۲۰۰۱). تصمیم‌گیری مناسب توسط سرمایه‌گذاران منوط به در دسترس بودن گزارشات مالی با کیفیت است. حسابرسان مستقل بعد از فروپاشی شرکت‌های بزرگی مانند انرون به شدت مورد انتقاد قرار گرفته‌اند. اما، داتار و همکاران^۲ (۱۹۹۱) و بالسام و همکاران^۳ (۲۰۰۳) مدعی هستند که حسابرسی توسط حسابرسان حرفه‌ای مستقل می‌تواند منجر به افزایش قابلیت اعتماد گزارشات مالی گردد. اما، خدمات ارائه شده توسط حسابرسان کیفیت ناهمگونی دارد. هر چند پژوهشگران تعریف‌های مختلفی از کیفیت حسابرسی ارائه داده‌اند، اما دی‌آنجلو^۴ (۱۹۸۱) کیفیت حسابرسی را توانایی حسابرسان در کشف و گزارش تحریفات موجود در گزارشات مالی صاحبکار تعریف می‌کند. بنابراین، تعریف مذکور هم‌بر دانش و تجربه حسابرسان در کشف تحریفات موجود در گزارشات مالی صاحبکار و هم‌بر استقلال حسابرسان که منجر به گزارش تحریفات کشف شده می‌شود تأکید می‌کند.

توجه به این نکته ضروری است که کیفیت حسابرسان یا حسابرسی به‌طور ذاتی قابل مشاهده نیست. هم‌چنین ارزیابی کیفیت حسابرسان مشکل و هزینه‌بر است (دی‌آنجلو، ۱۹۸۱). به همین خاطر، اندازه حسابرسان به عنوان یک نماینده‌ای^۵ از کیفیت حسابرسان توسط دی‌آنجلو (۱۹۸۱) معرفی شده است. دی‌آنجلو (۱۹۸۱) معتقد است که کیفیت خدمات حسابرسان ارائه شده توسط حسابرسان بزرگ از حسابرسان کوچک بیشتر است. براساس این دیدگاه، حسابرسان بزرگ به احتمال بیشتری استقلال خود را حفظ می‌کنند چون چنین حسابرسانی شهرت بالا و تعداد مشتریان زیادی دارند. لذا، اندازه حسابرسان بعنوان نماینده‌ای از کیفیت حسابرسان به دفعات مورد پژوهش قرار گرفته است. لازم بذکر است که اغلب پژوهش‌های انجام شده نشان داده‌اند که کیفیت حسابرسان هشت، شش، پنج و چهار موسسه حسابرسان بزرگ نسبت به سایر حسابرسان بیشتر است (فرنسیس و کریشنن^۶، ۱۹۹۹؛ بهن و همکاران^۷، ۲۰۰۸).

تخصص حسابرسان در یک صنعت خاص نیز به عنوان معیار دیگری از کیفیت حسابرسان شناخته شده است. این دیدگاه معتقد است که حسابرسان متخصص صنعت تخصص و دانش حسابرسان بالاتری در یک صنعت خاص بدست می‌آورند که می‌تواند منجر به کشف تحریفات موجود در گزارشات مالی صاحبکار گردد. بنابراین چنین تخصصی می‌تواند کیفیت حسابرسان و در نهایت گزارشگری مالی را افزایش دهد (دان و میهو^۸، ۲۰۰۴). مطابق با این دیدگاه، پژوهش‌های انجام شده نشان داده‌اند که حسابرسان متخصص صنعت اثر مثبتی بر کیفیت گزارشگری مالی دارد (مانند، بالسام و همکاران، ۲۰۰۳).

1- Bushman and Smith

2- Datar et al.

3- Balsam et al

4- DeAngelo

5- Surrogate

6- Francis and Krishnan

7- Behn et al

8- Dunn and Mayhew

اما مؤسسات حسابرسي بزرگ بين المللی در ايران فعاليت نمی کنند. هم چنین، به نظر می رسد حسابرسي متخصص صنعت هنوز جایگاه اصلی خود را در کشور پیدا نکرده است. پژوهش های انجام شده در ايران براساس دیدگاه اندازه حسابرسي (سازمان حسابرسي بعنوان حسابرسي بزرگ و مؤسسات حسابرسي خصوصی بعنوان حسابرسي کوچک) حاکی از نتایج متناقض می باشد (مانند، حساس یگانه و آذین فر، ۱۳۸۹: نونهال نهر و همکاران، ۱۳۹۰). از طرف دیگر، هنوز حسابرسي متخصص هر صنعت برای صاحبکاران مشخص نیست. هر چند اخیرا پژوهش هایی اثر حسابرسي متخصص صنعت بر کیفیت گزارشگری مالی در ايران را بررسی کرده اند (مانند، آقائی و ناظمی اردکانی، ۱۳۹۱)، هنوز اطمینان خاطر وجود ندارد که آیا حسابرسان ایرانی می توانند در صنعتی متخصص شوند زمانیکه تقاضای مناسبی برای حسابرسي با کیفیت در کشور وجود ندارد.

با توجه به عدم فعاليت مؤسسات حسابرسي بزرگ بين المللی در ايران (نبود معیاری مناسب برای تشخیص حسابرسي با کیفیت از حسابرسي بی کیفیت)، موضوع رتبه بندی مؤسسات حسابرسي در ايران مطرح شد. براین اساس، مؤسسات معتمد بورس برای اولین بار در سال ۱۳۹۲ توسط سازمان بورس و اوراق بهادار به چهار طبقه "اول"، "دوم"، "سوم" و "چهارم" دسته بندی شده اند. طبق این رتبه بندی، مؤسسات حسابرسي طبقه "اول" به احتمال زیاد باید کیفیت حسابرسي بالاتری نسبت به حسابرسان معتمد سایر گروهها داشته باشند. بنابراین مؤسسات حسابرسي معتمد طبقه "اول" مجاز به حسابرسي صاحبکاران بزرگ شده اند. به عبارت دیگر، به دلیل عدم وجود معیاری برای کیفیت حسابرسي در ايران، سازمان بورس و اوراق بهادار رتبه بندی را معیاری برای تمایز کیفیت حسابرسان در کشور مطرح کرده است. اما اینکه مؤسسات حسابرسي معتمد طبقه "اول" کیفیت حسابرسي بالاتری نسبت به مؤسسات حسابرسي معتمد سایر گروهها دارند یک سوال پژوهشی است که بنظر می رسد هنوز پاسخی به آن داده نشده است. بنابراین، هدف این پژوهش عبارت است از بررسی رابطه بين مؤسسات خصوصی معتمد طبقه "اول" و کیفیت حسابرسي (اندازه گیری شده است براساس تجدید ارائه صورتهای مالی توسط صاحبکاران).

با توجه به معیارهای ارزیابی سازمان بورس و اوراق بهادار، می توان پیش بینی کرد که مؤسسات حسابرسي معتمد طبقه "اول" باید منابع انسانی (کارکنان و شرکای حسابرسي) با تجربه و کافی، سیستم کنترل کیفیت مناسب، تعداد مشتریان زیاد و استقلال بیشتری داشته باشند. با توجه به یافته های پژوهش های انجام شده در سایر کشورها براساس دیدگاه اندازه حسابرسي، حسابرسانی که چنین خصوصياتی دارند به احتمال زیاد می توانند حسابرسي با کیفیتی داشته باشند. بنابراین، فرضیه پژوهش عبارت است از: صاحبکاران مؤسسات حسابرسي خصوصی (معتمد بورس) طبقه "اول" در مقایسه با صاحبکاران مؤسسات حسابرسي (معتمد بورس) سایر طبقات به احتمال کمتری صورتهای مالی خود را تجدید ارائه می کنند.

دوره زمانی پژوهش از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۹ می باشد و دادهها از گزارشات مالی سالیانه شرکت های پذیرفته شده در بورس و اوراق بهادار تهران جمع آوری شده اند. نمونه پژوهش شامل ۱۷۰۶

سال-شرکت مشاهده می باشد. تجدید ارائه صورتهای مالی صاحبکار به عنوان معیاری از کیفیت حسابرس مورد مطالعه قرار گرفته است. به منظور تأیید یافته های اصلی پژوهش و ارائه نتایج قابل اعتماد، مشکل "درون زادی انتخاب حسابرس"^۱ کنترل و چندین آزمون حساسیت بکار برده شده است. این پژوهش دستاوردهای مختلفی را برای متون حسابداری به همراه دارد. پژوهش حاضر برای اولین بار اثر رتبه بندی موسسات حسابرسی بر تجدید ارائه صورتهای مالی در ایران را مورد آزمون قرار می دهد. یافته های پژوهش نشان می دهد مشکل درون زادی در انتخاب حسابرس وجود دارد در حالیکه پژوهش های انجام شده در ایران این مشکل را کنترل نکرده اند. یافته های این پژوهش می تواند برای قانون گذاران (سازمان بورس و اوراق بهادار)، صاحبکاران و حسابرسان مفید باشد. هم چنین این پژوهش می تواند مقدمه ای برای تحقیقات گسترده در این زمینه باشد.

در ادامه، ابتدا رتبه بندی موسسات حسابرسی در ایران مطرح شده است. سپس، مبانی نظری و پیشینه پژوهش بطور اجمالی مرور و فرضیه پژوهش تدوین شده است. آنگاه روش پژوهش شامل: نمونه پژوهش، مدل پژوهش و مدل درون زادی انتخاب حسابرس ارائه شده است. در ادامه، یافته های تحقیق شامل آمار توصیفی، برازش مدل تحقیق و آزمونهای حساسیت ارائه شده است. بخش نهائی نیز به نتیجه گیری اختصاص یافته است.

رتبه بندی موسسات حسابرسی

علیرغم اینکه موسسات حسابرسی توسط برخی مجلات حرفه ای حسابرسی (نظیر بولتن حسابرسی بین المللی^۲) رتبه بندی می شوند، تحقیقات انجام شده از بورس اوراق بهادار آمریکا، سازمان نظارت بر شرکت های عمومی و چهار موسسه بزرگ حسابرسی جهان نشان می دهد که رتبه بندی موسسات حسابرسی در هیچ بازار حسابرسی رایج نیست. موضوع رتبه بندی موسسات حسابرسی در ایران از سال ۱۳۸۳ مطرح شده است. این تفکر بیانگر آن است که شرکت های بزرگ باید توسط موسسات حسابرسی بزرگ حسابرسی شوند چون موسسات حسابرسی یکسان و هم اندازه نیستند (امانی و دوانی، ۱۳۸۸). به عبارت دیگر این تفکر مدعی است که حسابرسی شرکت های بزرگ باید به موسسات حسابرسی بزرگ واگذار شود چون این موسسات نیروی انسانی و سیستم کنترلی مناسبی دارند. با توجه به اینکه موسسات حسابرسی بزرگ بین المللی در ایران فعالیت نمی کنند، جامعه حسابداران رسمی موسسات عضو این جامعه را براساس امتیاز کنترل کیفیت به چهار گروه "الف"، "ب"، "ج" و "د" دسته بندی کرده است. موسسات حسابرسی گروه "الف" موسساتی هستند که بیشترین امتیاز کنترل کیفیت را بدست آورده اند در حالیکه موسسات حسابرسی گروه "د" کمترین امتیاز کنترل کیفیت را بدست آورده اند.

در تاریخ ۲۸ بهمن ماه ۱۳۹۱ سازمان بورس و اوراق بهادار دستورالعمل رتبه بندی موسسات حسابرسی معتمد این سازمان را تصویب کرد. براساس این دستورالعمل، حمایت از حقوق سرمایه

- 1- Endogenous auditor choice
- 2- International Auditing Bulletin

گذاران و ساماندهی و توسعه بازار شفاف و منصفانه اوراق بهادار اهداف رتبه بندی مؤسسات حسابرسی معتمد سازمان بورس و اوراق بهادار است. معیارهای طبقه بندی مؤسسات حسابرسی معتمد سازمان بورس و اوراق بهادار عبارت است از معیارهای عادی (معیارهای ارزیابی شرکاء، کارکنان، ساختار سرمایه و سازمان موسسه، تنوع ارائه خدمات و کیفیت خدمات) و معیارهای تخلقاتی (سوابق تخلقاتی موسسه و شریک موسسه) که امتیاز منفی محسوب می شوند. جمع امتیازات موسسه حسابرسی براساس معیارهای مذکور مبنای تعیین طبقه موسسه حسابرسی است. بر حسب امتیاز کسب شده، مؤسسات حسابرسی معتمد سازمان بورس و اوراق بهادار در چهار طبقه "اول"، "دوم"، "سوم" و "چهارم" قرار می گیرند. متعاقباً، کلیه اشخاص حقوقی مشمول دستورالعمل رتبه بندی مؤسسات حسابرسی معتمد به چهار گروه "اول"، "دوم"، "سوم" و "چهارم" براساس معیارهایی مانند میانگین جمع دارائیه‌ها و درآمد فروش، ارزش بازار و تعداد کارکنان طبقه بندی شده اند. اشخاص حقوقی مشمول دستورالعمل مذکور موظف هستند تا حسابرس مستقل و بازرس قانونی خود را از میان مؤسسات حسابرسی معتمد که در همان طبقه یا طبقات بالاتر قرار دارند انتخاب نمایند. طبقه بندی مؤسسات حسابرسی معتمد بصورت سالیانه توسط سازمان بورس و اوراق بهادار انجام می گیرد.

مبانی، پیشینه و فرضیه پژوهش

در این بخش ابتدا به این موضوع که چرا یک معیار ملموس برای کیفیت حسابرس اهمیت ویژه ای دارد پرداخته شده است. هم چنین، نظریه اندازه حسابرس و پژوهش های انجام شده مرتبط با آن نظریه بعنوان یک معیار ملموس از کیفیت حسابرس بطور اجمالی مورد بررسی قرار گرفته است. در ادامه، نظریه تخصص حسابرس در صنعت و پژوهش های انجام شده در این ارتباط بطور خلاصه بررسی شده اند. بعلاوه، تحقیقات صورت گرفته در داخل کشور براساس نظریه های مذکور نیز بصورت اجمالی مرور شده اند. در نهایت فرضیه تحقیق تدوین شده است.

کیفیت حسابرسی غیر قابل ملموس و ارزیابی آن نیاز به هزینه بالائی نیاز دارد (دی آنجلو، ۱۹۸۱). بنابراین، اتکا به متغیرهای دیگری که ارزیابی آنها پر هزینه نیست و در ضمن با کیفیت حسابرس هم در ارتباط است می تواند راه حل مناسبی برای صاحبکاران (شرکت های حسابرسی شونده) باشد. اندازه حسابرس بعنوان یک نماینده ای از کیفیت حسابرس توسط دی آنجلو (۱۹۸۱) معرفی شده است. این دیدگاه معتقد است در مقایسه با مؤسسات حسابرسی کوچک، مؤسسات حسابرسی بزرگ کیفیت بالاتری دارند. با توجه به اینکه ارزیابی کیفیت حسابرس و کشف تقلب حسابرس نیازمند هزینه ی بالائی است، حسابرسان موقعیتی بدست می آورند تا بطور فرصت طلبانه کیفیت حسابرسی را پائین تر از آنچه که متعهد شده اند انجام دهند. به طور مثال، حسابرسان بطور فرصت طلبانه تعدادی از تحریفات با اهمیت کشف شده در صورت های مالی صاحبکار را گزارش نمی کنند. دی آنجلو (۱۹۸۱) بیان می کند که حسابرسان بزرگ به منظور حفظ شهرت خود و بخاطر تعداد

مشتریان زیادی که دارند به احتمال کمتری برای حفظ مشتری بصورت فرصت طلبانه رفتار می کنند. بنابراین، حساب‌رسان بزرگ تمایل بیشتری دارند تا تحریفات با اهمیت حسابرسی کشف شده در صورتهای مالی صاحبکار را گزارش کنند.

یافته های اکثر پژوهش های انجام شده در ارتباط با اندازه حسابرس نشان می دهد که بطور مقایسه ای کیفیت حسابرسی مؤسسات حسابرسی بزرگ بالاتر از مؤسسات حسابرسی کوچک می باشد (مانند، گیگر^۱ و همکاران، ۲۰۰۶: بهن و همکاران، ۲۰۰۸). اما تعدادی از پژوهش های انجام شده نتایج معناداری بین اندازه حسابرس و کیفیت گزارشگری مالی پیدا نکرده اند (مانند لاورنس^۲ و همکاران، ۲۰۱۱). بطور مثال، یافته های گیگر و همکاران (۲۰۰۶) نشان می دهد در مقایسه با مؤسسات حسابرسی غیر بزرگ خطای نوع اول (صدور گزارش مشروط مشکل تدوام فعالیت اما عدم ورشکستگی صاحبکار در سال مالی بعد) و خطای نوع دوم (صدور گزارش مقبول ولی ورشکستگی صاحبکار در سال مالی بعد) برای مؤسسات بزرگ حسابرسی کمتر است. هم چنین، نتایج تحقیق لای^۳ و همکاران (۲۰۰۸) نشان می دهد که رابطه معناداری بین اندازه حسابرس و گزارش مشروط در چین وجود دارد.

حسابرس متخصص صنعت نیز بعنوان یک معیار مملوس دیگری از کیفیت حسابرس توسط صاحبکاران شناخته شده است. براساس این دیدگاه، حسابرس متخصص صنعت به طور موثرتری می تواند تحریفهای با اهمیت در صورتهای مالی صاحبکار را کشف کند چون حسابرس متخصص صنعت دانش بیشتری در مورد یک صنعت خاص بدست می آورد. لذا، تخصص حسابرس در یک صنعت خاص می تواند منجر به افزایش کیفیت حسابرسی و در نهایت کیفیت گزارشگری مالی شود (دان و میهو، ۲۰۰۴). یافته های پژوهشگران در این حوزه دیدگاه حسابرس متخصص صنعت را تأیید می کند. نتایج پژوهش انجام شده توسط استنلی و دی‌زورت^۴ (۲۰۰۷) نشان می دهد که تجدید ارائه صورت های مالی در هنگام تصدی کوتاه مدت حسابرس برای صاحبکاران حساب‌رسان متخصص صنعت کمتر است. بعلاوه، رامینس و همکاران^۵ (۲۰۰۸) رابطه بین حسابرس متخصص صنعت و تجدید ارائه صورتهای مالی را بررسی کرده اند. یافته های پژوهش نشان می دهد تجدید ارائه صورتهای مالی توسط صاحبکاران مؤسسات حسابرسی متخصص صنعت کمتر است.

در ایران مؤسسات حسابرسی بزرگ فعالیت ندارند و حساب‌رسان متخصص صنعت نیز به نظر می رسد هنوز جایگاه واقعی خود را پیدا نکرده اند. لذا، تحقیقات انجام شده در کشور تلاش کرده اند تا با استفاده از دادههای شرکت های پذیرفته شده در بورس و اوراق بهادار تهران نشان دهند که آیا اندازه حسابرس (سازمان حسابرسی بعنوان حسابرس بزرگ و مؤسسات حسابرسی خصوصی بعنوان حساب‌رسان کوچک) می تواند نماینده مناسبی از کیفیت حسابرس باشد. بطور کلی، پژوهش های مذکور نتایج متناقضی را در ارتباط با اندازه حسابرس و کیفیت حسابرسی در ایران نشان می دهد.

1- Geiger et al.

2- Lawrence et al.

3- Li et al

4- Stanley and DeZoort

5- Romanus et al.

در ادامه تعدادی از پژوهش‌های انجام شده در ایران را بطور اجمالی بررسی می‌کنیم. یافته‌های پژوهش انجام شده توسط حساس یگانه و آذین فر (۱۳۸۹) بیانگر آن است که مؤسسات حسابرسی خصوصی خطای کمتری در گزارش تحریفات موجود در صورتهای مالی صاحبکاران خود داشته‌اند. عبدلی و همکاران (۱۳۹۲) نیز رابطه بین اندازه حسابرسی و تجدید ارائه صورتهای مالی را بررسی کرده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که اقلام تجدید نظر شده در صورت‌های مالی صاحبکار با افزایش تعداد کارکنان و شرکای حسابرسی کاهش می‌یابد. نمازی و همکاران (۱۳۹۰) رابطه بین اندازه حسابرسی و مدیریت سود صاحبکار را مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که رابطه غیر معنی داری بین اندازه حسابرسی و مدیریت سود توسط صاحبکار وجود دارد.

اخیرا پژوهش‌هایی در داخل کشور در مورد اثر حسابرسی متخصص صنعت بر کیفیت گزارشگری مالی انجام شده است. بطور مثال، یافته‌های پژوهش انجام شده توسط اعتمادی و همکاران (۱۳۹۰) بیانگر آن است که در مقایسه با صاحبکاران حسابرسان غیر متخصص صنعت، صاحبکاران حسابرسان متخصص صنعت سطح مطلق اقلام تعهدی اختیاری و ضریب واکنش سود به ترتیب کمتر و بالاتری دارند.

همانطور که در بخش قبلی ذکر شد، با توجه به هزینه بالای ارزیابی کیفیت حسابرسان برای مشتریان و نبود حسابرسان بزرگ بین‌المللی در بازار حسابرسی ایران، سازمان بورس و اوراق بهادار مؤسسات معتمد بورس را به چهار طبقه دسته‌بندی کرده است. دستورالعمل سازمان بورس و اوراق بهادار در ارتباط با رتبه‌بندی مؤسسات حسابرسی معتمد بیانگر آن است که مؤسسات حسابرسی طبقه "اول" با کیفیت ترین مؤسسات حسابرسی هستند. به عبارت دیگر، با توجه به معیارهای ارزیابی سازمان بورس و اوراق بهادار، مؤسسات حسابرسی طبقه "اول" باید منابع انسانی (کارکنان و شرکای حسابرسی) کافی و با تجربه، استقلال بیشتر و سیستم کنترل کیفیت مناسب تری نسبت به مؤسسات حسابرسی سایر طبقات داشته باشند. با توجه به یافته‌های پژوهشهای انجام شده در سایر کشورها، انتظار می‌رود که کیفیت حسابرسی مؤسسات حسابرسی معتمد بورس طبقه "اول" بالاتر از مؤسسات حسابرسی معتمد سایر طبقات باشد. لازم بذکر است که بررسیها نشان می‌دهد که هیچ پژوهشی اثر رتبه مؤسسات حسابرسی بر تجدید ارائه صورتهای مالی صاحبکاران را بررسی نکرده است. فرضیه این پژوهش به شرح زیر می‌باشد:

فرضیه پژوهش: صاحبکاران مؤسسات حسابرسی خصوصی (معتمد بورس) طبقه "اول" در مقایسه با صاحبکاران مؤسسات حسابرسی (معتمد بورس) سایر طبقات به احتمال کمتری صورتهای مالی خود را تجدید ارائه می‌کنند.

روش پژوهش

نمونه پژوهش

۱. جامعه‌ی آماری در این پژوهش، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس و اوراق بهادار تهران است. دوره زمانی پژوهش بین سال‌های ۱۳۸۰ الی ۱۳۸۹ می باشد. برای انتخاب نمونه در این پژوهش از روش حذف سیستماتیک استفاده شده که معیارهای اعمال شده به شرح زیر است:
۱. شرکت‌ها باید قبل از سال ۱۳۸۰ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده و تا سال ۱۳۸۹ عضویت آنها تداوم داشته باشد.
۲. اطلاعات مالی موردنیاز برای محاسبه متغیرهای پژوهش در مورد آن شرکت‌ها، در طول دوره پژوهش در دسترس باشند.
۳. مشاهداتی که توسط سازمان حسابرسی مورد حسابرسی قرار گرفته اند از نمونه پژوهش حذف شده اند.

با توجه به محدودیت‌های یاد شده، تعداد مشاهدات به ۱,۷۰۶ شرکت-سال رسید. علیرغم اینکه سازمان حسابرسی جزء ۲۰ موسسه حسابرسی طبقه "اول" می باشد، مشاهداتی که توسط سازمان حسابرسی مورد حسابرسی قرار گرفته اند از نمونه پژوهش حذف شده اند. دلایل مختلفی را می توان برای این موضوع مطرح کرد. سازمان حسابرسی از نظر اندازه قابل مقایسه با هیچ یک از موسسات حسابرسی خصوصی نیست. بنابراین اگر بخواهیم سازمان حسابرسی را بعنوان جزئی از موسسات طبقه "اول" در مدل وارد کنیم باید اثر اندازه حسابرسی (سازمان حسابرسی بعنوان حسابرسی بزرگ و موسسات حسابرسی بعنوان حسابرسی‌های کوچک) را کنترل کنیم. در این صورت مشکل هم خطی بین متغیرهای مذکور به وجود می آید. هم چنین، موسسات خصوصی معتمد حسابرسی طبقه "اول" به نظر می رسد که در طول زمان سعی کرده اند با متمایز کردن کیفیت خدماتشان برای خود سهمی و شهرتی در بازار حسابرسی بدست آورند. این در حالیست که سهم سازمان حسابرسی بخاطر الزامات قانونی است که شرکت‌های دولتی باید توسط سازمان حسابرسی مورد حسابرسی قرار بگیرند. هم چنین پژوهش‌های زیادی در ایران در ارتباط با کیفیت حسابرسی موسسات خصوصی و سازمان حسابرسی بصورت مقایسه‌ای انجام شده است. اما این پژوهش بدنبال آن است که آیا موسسات حسابرسی خصوصی (معتمد بورس) طبقه "اول" کیفیت حسابرسی بالاتری نسبت به موسسات حسابرسی خصوصی سایر طبقات دارند یا خیر.

مدل پژوهش

برای آزمون فرضیه تحقیق از مدل رگرسیونی زیر استفاده شده است.

$$\begin{aligned} Restate_{it} = & \beta_0 + \beta_1 Top19_{it} + \beta_2 Audchg_{it} + \beta_3 Size_{it} + \beta_4 Lev_{it} + \beta_5 InvRec_{it} + \beta_6 Liq_{it} \\ & + \beta_7 ROA_{it} + \beta_8 Loss_{it} + \beta_9 Subs_{it} + \beta_{10} LogAge_{it} + \beta_{11} Conown_{it} + \beta_{12} Pvtown_{it} \\ & + \sum \beta_j IndustryDum + \beta_k YearDum + \varepsilon_{it} \quad (1) \end{aligned}$$

متغیرهای بکار رفته در مدل (۱) به شرح زیر تعریف می شوند:

Restate: متغیر ساختگی مساوی یک اگر صورتهای مالی صاحبکار در سال بعد تجدید ارائه

شده باشد، در غیر اینصورت صفر.

Top19: متغیر ساختگی مساوی یک اگر حسابرس جزو ۱۹ موسسه حسابرسی خصوصی معتمد

سازمان بورس و اوراق بهادار متعلق به طبقه "اول" باشد، برای موسسات حسابرسی خصوصی معتمد سایر طبقات صفر.

Audchg: متغیر ساختگی مساوی یک اگر حسابرس تغییر یافته باشد، در غیر اینصورت صفر.

Size: اندازه صاحبکار، لگاریتم طبیعی جمع کل دارائی های صاحبکار.

Lev: اهرم مالی، جمع کل بدهی ها تقسیم بر جمع کل دارائی ها.

InvRec: نسبت جمع موجودی ها و حسابهای دریافتنی به جمع کل دارائیهها.

Liq: نسبت جمع کل دارائی های جاری به جمع کل بدهی های جاری.

ROA: نسبت بازده دارائی ها، سود تقسیم بر جمع کل دارائی ها.

Loss: زیانده بودن صاحبکار، متغیر ساختگی مساوی یک اگر صاحبکار زیان گزارش کرده باشد،

در غیر اینصورت صفر.

: متغیر ساختگی مساوی یک اگر صاحبکار شرکت (های) فرعی دارد، در غیر اینصورت صفر.

Subs

: لگاریتم طبیعی سن صاحبکار. **LogAge**

: تمرکز مالکیت، درصدی از سهام عادی صاحبکار که متعلق است به بزرگترین سهامدار.

Conown

Pvtown: مالکیت خصوصی، متغیر ساختگی مساوی یک اگر بیشتر یا مساوی ۵۰ درصد سهام

عای صاحبکار متعلق به بخش خصوصی است در غیر اینصورت صفر.

IndustryDum: ۱۶ متغیر ساختگی برای کنترل اثر صنعت.

YearDum: ۱۰ متغیر ساختگی برای کنترل اثر تغییرات در طول زمان.

مدل (۱) براساس تحقیقات قبلی (بلنکلی و همکاران^۱، ۲۰۱۲، داو و همکاران^۲، ۲۰۱۲) و با در

نظر گرفتن ویژگیهای شرایط محیطی ایران تدوین شده است. Top19 در واقع همان ۲۰ موسسه

حسابرسی (معتمد بورس) عضو طبقه "اول" منهای سازمان حسابرسی است. لازم بذکر است Top19

1- Blankley et al.

2- Dao et al.

براساس رتبه بندی موسسات حسابرسی معتمد بورس اوراق بهادار که توسط سازمان مذکور در سال ۱۳۹۲ اعلام شده است تعیین گردیده است.

درون زادی انتخاب حسابرس

زمانیکه مشکل درون زادی وجود دارد، روش رگرسیون لاجستیک منجر به برآوردهای مناقض می شود. تحقیقات نشان می دهد که صاحبکاران بصورت تصادفی حسابرس خود را انتخاب نمی کنند بلکه این انتخاب براساس نیاز صاحبکاران می باشد (تیتمن و ترومن^۱، ۱۹۸۶). چنین موضوعی منجر به نقض اصل انتخاب تصادفی نمونه پژوهش می شود. بنابراین، این پژوهش همانند پژوهش های قبلی (چنی و همکاران^۲، ۲۰۰۴؛ لیو و سابرامانیام^۳، ۲۰۱۲) یک پروسه دومرحله ای را برای رفع مشکل انتخاب غیر تصادفی^۴ حسابرس اجرا می کند. به عبارت دیگر، اول مدل (۲) را اجرا و براساس برآوردهای مدل مذکور "نسبت معکوس"^۵ محاسبه می شود. در نهایت در مرحله دوم، مدل (۱) با اضافه شدن "نسبت معکوس" بعنوان یک متغیر توضیحی اضافی اجرا می شود. مدل (۲) به شرح زیر می باشد:

$$Top19_{it} = \lambda + \gamma_1 Pvtown_{it} + \gamma_2 Size_{it} + \gamma_3 Lev_{it} + \gamma_4 InvRec_{it} + \gamma_5 Liq_{it} + \gamma_6 Loss_{it} + \gamma_7 Curr_{it} + \gamma_8 Salegrowth_{it} + \gamma_9 Aturn_{it} + \sum \beta_j IndustryDum + \beta_k YearDum + \delta_{it} \quad (2)$$

متغیرهای بکار رفته در مدل (۲) به شرح زیر تعریف می شوند:

Curr: نسبت دارائیهای جاری به جمع کل دارائیهها.

Salegrowth: درصد تغییرات در فروش، تفاوت فروش سال جاری نسبت به سال قبل تقسیم

بر فروش سال قبل.

Aturn: نسبت فروش به جمع کل دارائیهها.

سایرمتغیرها در بخش های قبلی تعریف شده اند.

یافته های پژوهش

آماره های توصیفی

جدول (۱) آماره های توصیفی مرتبط با مدل (۱) را نشان می دهد. آزمون *t* نشان می دهد اندازه صاحبکار و سن صاحبکار برای صاحبکاران ۱۹ موسسه حسابرسی طبقه "اول" بزرگتر است. نسبت جمع موجودیها و حسابهای دریافتنی به جمع کل دارائیهها (*InvRec*) و نسبت نقدینگی برای صاحبکاران ۱۹ موسسه حسابرسی طبقه "اول" کمتر است. هم چنین نتایج آزمون ناپارامتری نشان

- 1- Titman and Trueman
- 2- Chaney et al.
- 3- Liu and Subramaniam
- 4- Self-selection bias
- 5- Inverse Mills Ratio(IMR)

می دهد که تجدید ارائه صورتهای مالی برای صاحبکاران ۱۹ موسسه حسابرسی طبقه "اول" کمتر است. این یافته منطبق با فرضیه پژوهش می باشد. علاوه، در مقایسه با صاحبکاران سایر موسسات حسابرسی خصوصی معتمد، صاحبکاران ۱۹ موسسه حسابرسی طبقه "اول" کمتر متعلق به بخش خصوصی، بیشتر زیانده و شرکت های فرعی بیشتری دارند. هم چنین، احتمال تغییر حسابرس برای ۱۹ موسسه حسابرسی طبقه "اول" کمتر است.

جدول (۱) آمارهای توصیفی

پنل الف: متغیرهای پیوسته							
نام متغیرها	میانگین	میان	انحراف معیار	حداکثر	حداقل		
اندازه شرکت	۱۲.۵۳	۱۲.۴۶	۱.۲۲	۱۶.۷۶	۹.۸۲		
اهرم مالی	۰.۷۱	۰.۶۹	۰.۲۵	۱.۷۵	۰.۲۴		
نسبت جمع موجودیها و ح دریافتی	۰.۵۱	۰.۵۲	۰.۲۰	۰.۹۳	۰.۰۷		
نسبت نقدینگی	۱.۱۴	۱.۰۶	۰.۵۵	۳.۸۷	۰.۱۸		
نسبت بازده دارائنها	۰.۱۰	۰.۰۹	۰.۱۴	۰.۵۲	-۰.۲۸		
لگاریتم سن صاحبکار	۲.۳۴	۲.۴۰	۰.۶۹	۳.۷۶	۰.۰۰		
درصد مالکیت سهامدار عمده	۰.۵۰	۰.۵۱	۰.۲۵	۱.۰۰	۰.۰۰		
پنل ب: آزمون t و ناپارامتری							
آزمون t			آزمون ناپارامتری				
نام متغیرها	موسسات طبقه "اول" (N=845)	سایر موسسات معتمد (N=861)	آماره t	نام متغیرها	موسسات طبقه "اول" (N=845)	سایر موسسات معتمد (N=861)	کای دو
اهرم مالی	0.72	0.70	1.04	تجدید ارائه صورتهای مالی	۶۰۵	۶۵۹	4.23**
نسبت جمع موجودیها و ح دریافتی	0.49	0.52	-2.62***	(%)	71.60	76.54	
نسبت نقدینگی	1.10	1.17	-3.01***	تغییر حسابرس	۱۳۹	۱۷۲	3.56*
نسبت بازده دارائنها	0.10	0.11	-1.42	(%)	16.45	19.98	
لگاریتم سن صاحبکار	2.49	2.18	9.47***	زیاندهی شرکت	۱۳۵	۹۲	10.35***
درصد مالکیت سهامدار عمده	0.50	0.50	0.10	(%)	15.98	10.69	
شرکت مادر					۱۹۵	۱۶۱	4.95**
(%)				(%)	23.08	18.70	
مالکیت خصوصی				مالکیت خصوصی	273	326	5.77**
(%)				(%)	32.31	37.86	

* معناداری در سطح اطمینان ۹۰٪، ** معناداری در سطح اطمینان ۹۵٪ و *** معناداری در سطح اطمینان ۹۹٪.

لازم بذکر است که برای کاهش دادن اثر مشاهدات پرت بر روی نتایج تحقیق، یک درصد کوچکترین و بزرگترین دادههای مربوط به متغیرهای پیوسته را با اعداد نزدیکترین مشاهدات به آن دادهها جایگزین شده است. نتایج آزمون همبستگی پیرسون که گزارش نشده است نشان می دهد که همبستگی بالائی بین متغیرهای مستقل وجود ندارد. یعنی مشکل هم خطی بین متغیرهای مستقل وجود ندارد.

نتایج آزمون فرضیه پژوهش

جدول (۲) نتایج آزمون فرضیه پژوهش را نشان می دهد. ستون اول و دوم جدول (۲) نتایج تجزیه و تحلیل مدل (۱) اول براساس رگرسیون لاجستیک را نشان می دهد. ستون سوم و چهارم جدول (۲) نتایج رگرسیون مرحله دوم مدل (۱) را نشان می دهد. هنگامیکه ضریب نسبت معکوس (*IMR*) معنادار است، تفسیر یافته ها باید براساس نتایج تجزیه و تحلیل رگرسیون مرحله دوم صورت گیرد. نتایج نشان می دهد که رابطه معناداری بین حسابرسان خصوصی معتمد طبقه "اول" و تجدید ارائه صورتهای مالی صاحبکار وجود ندارد. بنابراین، فرضیه پژوهش تأیید نمی شود. به عبارت دیگر، تجدید ارائه صورتهای مالی صاحبکاران حسابرسی شده توسط حسابرسان خصوصی معتمد طبقه "اول" کمتر از صاحبکاران حسابرسان معتمد سایر طبقات نیست. یعنی حسابرسان معتمد طبقه "اول" منجر به کاهش تجدید ارائه صورتهای مالی صاحبکاران نشده است.

جدول (۲). یافته‌های آزمون فرضیه پژوهش

مدل (۱)		رگرسیون مرحله دوم- مدل (۱)	
متغیر	ضرایب	آماره t	ضرایب
مقدار ثابت	۱.۹۱*	1.81	0.39
حسابرسان طبقه "اول"	-0.18	-1.41	-0.16
تغییر حسابرس	0.48***	2.77	0.53***
اندازه صاحبکار	-0.07	-1.11	0.04
اهرم مالی	0.75**	1.97	0.71*
نسبت جمع موجودیها و دریافتی	-0.39	-0.92	-0.45
نسبت نقدینگی	0.37**	2.14	0.40**
بازده دارائیا	0.53	0.76	0.19
زیاندهی صاحبکار	-0.04	-0.19	-0.10
شرکت مادر	0.52***	3.08	0.51***
سن صاحبکار	-0.07	-0.73	-0.17*
سهامدار عمده	-0.49*	-1.71	-0.46*
سهامدار خصوصی	-0.29*	-1.88	-0.37**
نسبت معکوس (IMR)			0.22
متغیرهای ساختگی صنعت	بلی		بلی
متغیرهای ساختگی سال	بلی		بلی
Pseudo R ²	0.07		0.05
Wald chi2	101.41**		72.57**
N	1,706		1,706

* معناداری در سطح اطمینان ۹۰٪، ** معناداری در سطح اطمینان ۹۵٪ و *** معناداری در سطح اطمینان ۹۹٪.

نتایج هم چنین نشان می دهد که تغییر حسابرس رابطه مثبتی با تجدید ارائه صورت‌های مالی دارد. بعلاوه، تجدید ارائه صورت‌های مالی برای صاحبکارانی که اهرم مالی بیشتر، نسبت نقدینگی بیشتر و دارای شرکت های فرعی هستند بیشتر است. اما، تجدید ارائه صورت‌های مالی برای صاحبکارانی سهامدار عمده و سهامدار خصوصی بیشتری دارند کمتر است. لازم بذکر است که ضرایب عامل تورم واریانس برای متغیرهای این پژوهش کمتر از ۱۰ می باشد. هم چنین، خطاهای استاندارد اصلاح شده نا همسانی واریانس و خود همبستگی نوی و وست^۱ (۱۹۸۷) در جدول (۲) گزارش شده اند.

آزمونهای حساسیت

برآورد مدل (۱) براساس دادههای پنل

علیرغم اینکه پژوهش حاضر سعی کرده است که اثر متغیرهای موثر بر تجدید ارائه صورت‌های مالی را براساس پژوهش های قبلی و شرایط محیطی پژوهش کنترل کند، یافته های اصلی ممکن

1- Newey and West

است به دلیل عدم کنترل اثر سایرمتغیرهای موثر گمراه کننده باشد. برای مرتفع کردن این مشکل احتمالی، ما مدل یک را براساس دادههای پنل (با کنترل کردن اثر شرکت ها^۱) دوباره اجرا کردیم. چنین روشی می تواند اثر عوامل حذف شده مخصوص صاحبکار که در طول زمان تغییر پذیر هستند را کنترل کند ولی قدرت برآورد کنندگی مدل را کاهش می دهد (بال وهمکاران^۲، ۲۰۱۲). نتایج برآورد مدل (۱) براساس دادههای پنل منطبق با یافته های اصلی این پژوهش ارائه شده در جدول (۲) می باشند. لازم بذکر است که نتایج برآورد مدل (۱) براساس دادههای پنل ارائه نشده اند. نتایج نشان می دهد که ضریب Top۱۹ عبارت است از -0.43 ($Z = -1.58, p = 0.12$)، زمانیکه متغیر وابسته تجدید ارائه صورتهای مالی می باشد. نتایج برآورد مدل (۱) براساس دادههای پنل نشان می دهد که یافته های اصلی پژوه قابل اتکا هستند.

برآورد مدل (۱) براساس تعریف جایگزین از موسسات خصوصی معتمد طبقه "اول"

موسسات حسابرسی خصوصی معتمد طبقه "اول" (Top۱۹) بعنوان یک متغیر ساختگی مساوی است با یک اگر حسابرس جزو ۱۹ موسسه حسابرسی خصوصی معتمد متعلق به طبقه "اول" باشد، در غیر اینصورت صفر. اما چنین تعریفی ممکن است مورد نقد پژوهشگران دیگر قرار گیرد چون موسسات معتمد به چهار گروه براساس معیارهای ارزیابی توسط سازمان بورس و اوراق بهادار طبقه بندی شده اند. بنابراین، یکی از دلایل احتمالی که این پژوهش نتوانسته نتایج معناداری برای فرضیه پژوهش بگیرد می تواند به نوع تعریف موسسات خصوصی معتمد طبقه "اول" (Top۱۹) مرتبط باشد. به عبارت دیگر، احتمالاً کیفیت حسابرسی موسسات معتمد طبقه "اول" تفاوت چندانی با کیفیت حسابرسی موسسات حسابرسی طبقه "دوم" ندارد. اما کیفیت حسابرسی موسسات حسابرسی معتمد طبقه "اول" ممکن است تفاوت معناداری با کیفیت حسابرسی موسسات حسابرسی طبقات "سوم" و "چهارم" داشته باشد. برای همین منظور، ما مدل (۱) را بصورت مقایسه ای بین موسسات خصوصی معتمد طبقه "اول" (۸۴۵ سال-شرکت) و طبقه "دوم" (۵۴۱ سال-شرکت) اجرا کردیم. نتایج گزارش نشده نشان داد که همانند نتایج اصلی، موسسات خصوصی معتمد طبقه "اول" اثری بر تجدید ارائه صورتهای مالی صاحبکار ندارد. در تعریف دیگری از موسسات خصوصی معتمد طبقه "اول"، ما مدل (۱) را بصورت مقایسه ای بین موسسات خصوصی معتمد طبقه "اول" (۸۴۵ سال-شرکت) و موسسات حسابرسی معتمد طبقات "سوم" و "چهارم" (۳۲۰ سال-شرکت) اجرا کردیم. نتایج گزارش نشده نشان داد که رابطه معناداری بین تجدید ارائه صورتهای مالی و تعریف جدید موسسات حسابرسی خصوصی معتمد طبقه "اول" وجود ندارد. چنین یافته هایی با نتایج اصلی تحقیق ارائه شده در جدول (۲) منطبق هستند. هم چنین، نتایج این آزمون حساسیت بیانگر آن است که موسسات حسابرسی طبقه "اول" کیفیت حسابرسی (اندازه گیری شده براساس تجدید ارائه صورتهای مالی صاحبکار) بالاتری نسبت به موسسات حسابرسی معتمد هیچ یک از طبقات دیگر ندارند.

- 1- Firm fixed-effects
- 2- Ball et al.

نتیجه گیری

با توجه به اینکه کیفیت حسابرس به طور ذاتی غیر قابل مشاهده و ارزیابی آن بسیار هزینه بر است، اندازه حسابرس و حسابرس متخصص صنعت به عنوان دو نماینده از کیفیت حسابرس توسط پژوهشگران معرفی شده است. اما، موسسات حسابرسی بین المللی بزرگ در ایران فعالیت نمی کنند و حسابرس متخصص صنعت هم به نظر می رسد در کشور هنوز جایگاه واقعی خود را پیدا نکرده است. در چنین شرایطی، رتبه موسسات حسابرسی معتمد بورس در سال ۱۳۹۲ برای اولین بار توسط سازمان بورس و اوراق بهادار انتشار یافت. موسسات حسابرسی معتمد به چهار طبقه "اول"، "دوم"، "سوم" و "چهارم" دسته بندی شده اند. رتبه بندی موسسات حسابرسی مدعی است که موسسات حسابرسی معتمد طبقه "اول" به احتمال بیشتری کیفیت بالاتری نسبت به حسابرسان معتمد سایر طبقات دارند. بنابراین، حسابرسی صاحبکاران بزرگ به حسابرسان طبقه "اول" محول شده است. اما سوال علمی پاسخ داده نشده این است که: آیا موسسات حسابرسی معتمد طبقه "اول" واقعا کیفیت بالاتری نسبت به موسسات حسابرسی معتمد سایر طبقات دارند؟ بنابراین پژوهش حاضر تلاشی است برای پاسخ به سوال مذکور. نتایج نشان می دهد که تجدید ارائه صورتهای مالی صاحبکاران موسسات حسابرسی طبقه "اول" کمتر از تجدید ارائه صورتهای مالی صاحبکاران موسسات معتمد سایر طبقات نیست. به طور کلی می توان گفت که برخلاف ادعای سازمان بورس و اوراق بهادار، کیفیت حسابرسی موسسات حسابرسی معتمد طبقه "اول" تفاوت قابل ملاحظه ای نسبت به کیفیت حسابرسی موسسات حسابرسی معتمد سایر طبقات ندارد. یافته های اصلی این پژوهش با اعمال چندین آزمون حساسیت پیش‌تیبانی شده اند.

این پژوهش پیشنهاداتی برای سازمان بورس و اوراق بهادار بعنوان متولی رتبه بندی موسسات حسابرسی معتمد ارائه می کند. اول اینکه، سازمان بورس و اوراق بهادار برای رتبه بندی موسسات حسابرسی معتمد به طور مستقیم کیفیت کار موسسات حسابرسی معتمد را از طریق معیارهایی مانند مدیریت سود، نوع گزارش حسابرس، تجدید ارائه صورتهای مالی، زمان تاخیر حسابرسی و غیره بررسی کند. باتوجه به اینکه نتایج پژوهش حاضر بیانگر آن است که تفاوت چندانی بین کیفیت حسابرسی موسسات حسابرسی معتمد طبقه "اول" و موسسات حسابرسی معتمد سایر طبقات وجود ندارد، سازمان بورس و اوراق بهادار باید موضوع اعطای مجوز حسابرسی صاحبکاران بزرگ توسط موسسات حسابرسی معتمد طبقه "اول" را مورد بازنگری قرار دهد. هم چنین، دستورالعمل رتبه بندی موسسات حسابرسی معتمد موجب می شود تا قدرت بازار موسسات حسابرسی معتمد طبقه "اول" افزایش یابد که می تواند منجر به افزایش حق الزحمه حسابرسی بدون افزایش کیفیت خدمات ارائه شده حسابرسی شود. هم چنین صاحبکارانی که تقاضایی برای حسابرسی با کیفیت دارند، براساس رتبه بندی موسسات معتمد ممکن است که موسسات طبقه "اول" را بطور اختیاری انتخاب کنند و حق الزحمه بیشتری پرداخت کنند بدون اینکه از کیفیت بالاتر حسابرسی منتفع شوند. به عبارت دیگر، به نظر می رسد که رتبه بندی موسسات حسابرسی توسط سازمان بورس و اوراق بهادار نمی تواند معیار مناسبی از کیفیت حسابرسان در اختیار صاحبکاران قرار دهد.

این پژوهش پیشنهادهایی برای تحقیقات آتی ارائه می‌کند. در این پژوهش فقط اثر رتبه حسابرِس معتمد بورس تجدید ارائه صورتهای مالی بررسی شده است. بنابراین، پژوهشگران می‌توانند رابطه بین رتبه حسابرِس و کیفیت سود، تاخیر حسابرسی، ارزش بازار صاحبکار، نوع گزارش حسابرِس و غیره را بررسی کنند. این تحقیق پیشنهاد می‌کند که پژوهش‌های آتی مشکل درون زادی انتخاب حسابرِس را کنترل کنند تا نتایج قابل اتکائی بدست آورند. هم چنین پیشنهاد می‌شود که پژوهش فعلی دوباره براساس داده‌های بعد از رتبه بندی اجرا شود.

هر چند رتبه بندی موسسات حسابرسی در سال ۱۳۹۲ ارائه شده است، داده‌های این پژوهش از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۹ می‌باشد. ممکن است این موضوع بعنوان محدودیت این پژوهش در نظر گرفته شود. اما پژوهشگران این تحقیق معتقد هستند که با توجه به معیارهای ارزیابی سازمان بورس و اوراق بهادار برای رتبه بندی، سابقه و شهرت موسسات حسابرسی نقش عمده‌ای در ارزیابی بازی می‌کند. به عبارت دیگر، موسسات حسابرسی در طول زمان شهرت کسب کرده و فعالیت خود را افزایش می‌دهند. به عنوان یک مثال عینی، حدود نیمی از مشاهدات (شرکت-سال) این تحقیق که مربوط به دوره قبل از رتبه بندی است توسط موسسات حسابرسی خصوصی معتمد طبقه "اول" حسابرسی شده اند. چنین آماره توصیفی ادعای پژوهشگران این تحقیق پشتیبانی می‌کند.

منابع

- ۱- آقائی، محمدعلی و مهدی ناظمی اردکانی. (۱۳۹۱). "تخصص حسابرِس در صنعت و مدیریت اقلام تعهدی اختیاری". دانش حسابرسی، ۱۲ (۴۶): ۴-۱۷.
- ۲- امانی، علی و غلامحسین دوانی. (۱۳۸۸). "خدمات حسابرسی حق الزحمه ی حسابرسی و رتبه بندی حسابرسان". حسابدار رسمی، ۸، ۳۲-۴۱.
- ۳- اعتمادی، حسین، امیر محمدی، مهدی ناظمی اردکانی. (۱۳۹۰). "بررسی رابطه بین تخصص صنعت حسابرِس و کیفیت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران". مجله‌ی پژوهش‌های حسابداری مالی، ۱ (۲۱): ۳۲-۱۷.
- ۴- حساس یگانه، یحیی و کاوه آذین‌فر. (۱۳۸۹). "رابطه بین کیفیت حسابرسی و اندازه مؤسسه حسابرسی". بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۱۷ (۶۱)، ۸۵-۹۸.
- ۵- عبدلی، محمدرضا، علی فعال قیومی و ناصر پرتوی. (۱۳۹۲). "تأثیر ویژگیهای حسابرِس بر تجدید ارائه صورتهای مالی". بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۰ (۳): ۸۵-۱۰۰.
- ۶- نمازی، محمد، انور بایزیدی و سعید جبارزاده کنگرلویی، (۱۳۹۰). "بررسی رابطه بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران". ۳ (۹): ۱-۱۸.
- ۷- نونهال نهر، علی اکبر، سعید جبارزاده کنگرلویی و یعقوب پورکریم. (۱۳۸۹). "رابطه بین کیفیت حسابرِس و قابلیت اتکای اقلام تعهدی. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی"، ۱۷ (۶۷): ۵۵-۷۰.

- 8- Ball, R., Jayaraman, S. & Shivakumar, L., (2012). "Audited financial reporting and voluntary disclosure as complements: A test of the Confirmation Hypothesis". *Journal of Accounting and Economics*, 53 (1-2), 136-166.
- 9- Balsam, S., Krishnan, J. & Yang, J., (2003). "Auditor industry specialization and earnings quality". *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 22 (2), 71-97.
- 10- Behn, B., Choi, J.H. & Kang, T., (2008). "Audit quality and properties of analyst earnings forecasts". *The Accounting Review*, 83(2), 327-359.
- 11- Blankley, A. I., Hurr, D. N. & MacGregor, J. E., (2012). "Abnormal audit fees and restatements". *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 31 (1), 79-96.
- 12- Bushman, R.M. & Smith, A.J., (2001). "Financial accounting information and corporate governance". *Journal of Accounting and Economics*, 32, 237-333.
- 13- Chaney, P.K., Jeter, D.C. & Shivakumar, L., (2004). "Self-selection of auditors and audit pricing in private firms". *The Accounting Review*, 79 (1), 51-72.
- 14- Dao, M., Raghunandan, K. & Rama, D. V., (2012). "Shareholder voting on auditor selection, audit fees, and audit quality". *The Accounting Review*, 87(1), 149-171.
- 15- Datar, S.M., Feltham, G.A. & Hughes, J.S., (1991). "The role of audits and audit quality in valuing new issues". *Journal of Accounting and Economics*, 14 (1), 3-49.
- 16- DeAngelo, L. (1981). "Auditor size and audit quality". *Journal of Accounting and Economics*, 3, 297-322.
- 17- Dunn, K. A. & Mayhew, B.W., (2004). "Audit firm industry specialization and client disclosure quality". *Review of Accounting Studies*, 9 (1), 35-58.
- 18- Francis, J. & Krishnan, J., (1999). "Accounting accruals and auditor reporting conservatism". *Contemporary Accounting Research*, 16, 135-165.
- 19- Geiger, M. A. & Rama, D. V., (2006). "Audit firm size and going-concern reporting accuracy". *Accounting Horizons*, 20 (1), pp. 1-17.
- 20- Gul, F.A., Sami, H. & Zhou, H. (2009). "Auditor disaffiliation program in China and auditor independence". *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 28(1), 29-51.
- 21- Lawrence, A., Minutti-Meza, M. & Zhang, P., (2011). "Can Big 4 versus non-Big 4 difference in audit-quality proxies be attributed to client characteristics?" *The Accounting Review*, 86 (1), 259-286.
- Li, C., Song, F. M. & Wong, S. M. L. (2008). "A continuous relation between audit firm size and audit opinions: Evidence from China". *International Journal of Auditing*, 12(2), 111-127.
- 22- Liu, L. & Subramaniam, N., (2012). "Government ownership, audit firm size and audit pricing: Evidence from China". *Journal of Accounting and Public Policy*, <http://dx.doi.org/10.1016/j.jaccpubpol.2012.11.004>.
- 23- Newey, W.K. & West, K.D., (1987). "A simple, positive-definite, heteroskedasticity and autocorrelation consistent covariance matrix". *Econometrica*, 55, 703-708.
- 24- Romanus, R.N., Maher, J.J. & Fleming, D.M., (2008). "Auditor industry specialization, auditor changes, and accounting restatements". *Accounting Horizons*, 22 (4), 389-413.
- 25- Stanley, J.D & DeZoort, F. T., (2007). "Audit firm tenure and financial restatements: An analysis of industry specialization and fee effects". *Journal of Accounting and Public Policy*, 26, 131-159.

- 26- Trueman, B. & Titman, S., (1998). "An explanation for accounting income smoothing". *Journal of Accounting Research*, 26 (1), 127-139.
- 27- Zeghal, D., Chtourou, S. & Sellami, Y.M., (2011). "An analysis of the effect of mandatory adoption of IAS/IFRS on earnings management". *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 20(2), 61-72.

